

دانشکده مدیریت واحد مرکز

نام استاد : دکتر کامکار

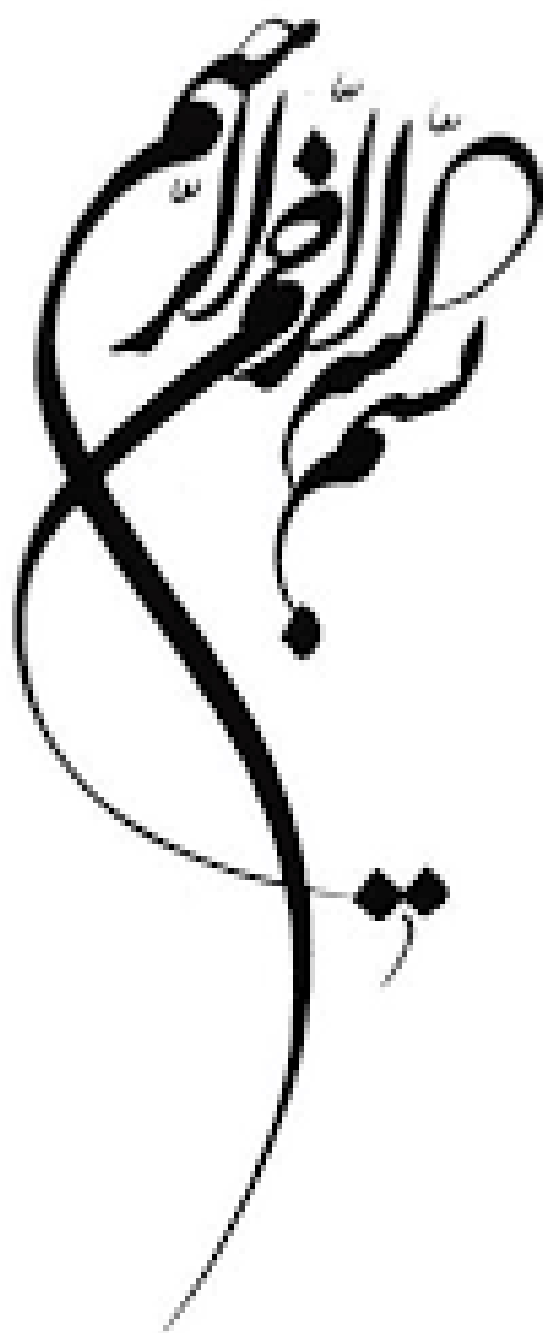
عنوان پروژه: حملات ۱۱ سپتامبر

نام و نام خانوادگی دانشجو: احمد رضا احمد خانیها

محسن بهرامی

محمد بحرینی

سال تحصیلی: ۱۳۹۶-۱۳۹۷



حملات ۱۱ سپتامبر بیش‌تر در انگلیسی با ۱۱/۹ نشان داده می‌شود که «نُه، یازده» به انگلیسی «ناین ایلون» خوانده می‌شود عبارت است از سلسله‌ای از حملات انتحاری که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، توسط القاعده در خاک ایالات متحده آمریکا انجام شد.^{۱۱} در صبح آن روز، ۱۹ تن از اعضای القاعده، چهار هواپیمای تجاری - مسافربری را ربودند. هواپیماربایان، دو هواپیما را در فاصله‌های زمانی گوناگون تعمداً به **برج‌های دوقلوی** مرکز تجارت جهانی در شهر نیویورک زدند. در نتیجه این دو برخورد، همه مسافران به همراه عده بسیاری که در ساختمان‌ها حضور داشتند، کشته شدند. هر دو ساختمان، پس از دو ساعت به طور کامل ویران شدند و آسیب‌های زیادی به ساختمان‌های پیرامون زدند. گروه هواپیماربایان، هواپیمای سوم را به پنتاگون، واقع در *ارلینگتون* در ویرجینیا زدند. هواپیمای چهارم اما در زمینی نزدیک *شنکسویل*، در ایالت پنسیلوانیا، سرنگون شد. این در حالی بود که شماری از مسافران و خدمه پرواز پیش از سرنگونی هواپیما، تلاش کرده بودند تا کنترل هواپیما را که هواپیماربایان آن را به سمت واشینگتن، دی.سی. هدایت می‌کردند، به دست بگیرند. اما هیچ‌کدام از مسافران این پرواز و سه پرواز دیگر زنده نماندند. کشته شدگان این حمله‌ها ۲۹۷۴ تن بودند، که با در نظر گرفتن ۱۹ هواپیماربا در کل شمار کشته‌های این حمله‌ها به ۲۹۹۳ تن می‌رسد. بیش‌تر کشته شدگان این حمله‌ها مردم عادی و شهروندان بودند، که ملیت آن‌ها از ۹۰ کشور گوناگون جهان بود. به‌علاوه، مرگ دست‌کم یک تن ناشی از قرارگرفتن در برابر گرد و خاک به‌وجودآمده از ویرانی دو برج نیز گزارش شد .

واکنش ایالات متحده به این حملات، شروع جنگ با تروریسم با حمله به افغانستان و از قدرت برکنارکردن طالبان، که تروریست‌های القاعده را پناه می‌داد، و نیز تصویب طرح «قانون میهن‌پرستی آمریکا» بود. کشورهای بسیاری قوانین ضد تروریسم خود را تقویت کردند و اجرای آن‌ها را گسترش دادند. بعضی از بنگاه‌های تجاری در آمریکا، تا آخر هفته فعالیت خود را تعطیل کردند و بعد از بازگشایی، از زیان هنگفتی خبر دادند که به‌خصوص متوجه شرکت‌های هواپیمایی و مؤسسات بیمه بود .

خسارتی که به پنتاگون وارد شده بود، ظرف مدت یک سال جبران شد و بعدها بنای «یادبود پنتاگون» در محل ساخته شد. همچنین بازسازی مرکز تجارت جهانی نیز آغاز شد. در ۲۰۰۶، برج اداری جدیدی در محل به بهره‌برداری رسید. مرکز تجارت جهانی ۱ نیز اکنون احداث شده‌است که با ۵۴۱ متر ارتفاع، در سال ۲۰۱۱ به بهره‌برداری رسید. این برج به یکی از مرتفع‌ترین برج‌های آمریکای شمالی تبدیل شد. سه برج دیگر نیز بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ در منطقه ساخته شد .

حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ تاکنون بزرگ‌ترین عملیات تروریستی تاریخ ایالات متحده آمریکا به‌شمار می‌آید و پیامدهای مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی برای این کشور و جامعه جهانی به دنبال داشته‌است. گفته می‌شود که حادثه ۱۱ سپتامبر همانند حمله ژاپن به بندر پرل هاربر، تاریخ آمریکا را تغییر داده‌است .



چهار هواپیما که از فرودگاه بین‌المللی لوگان، فرودگاه بین‌المللی دالس واشینگتن و فرودگاه بین‌المللی لیبرتی نیوآرک به مقصد فرودگاه بین‌المللی لس‌آنجلس در پرواز بودند، دزدیده شدند. دو فروند به ساختمان‌های مرکز تجارت جهانی اصابت کردند، یک فروند با ساختمان پنتاگون برخورد کرد و دیگری در پنسیلوانیا سقوط کرد. این هواپیما احتمالاً به قصد تخریب ساختمان کاخ سفید رבוته شده بود اما به دلیل تأخیر و درگیری در حین کنترل هواپیما موفق به این اقدام نشد. در گزارش نهایی کمیسیون ۱۱ سپتامبر اعلام شد مسئولان دفاع هوایی پس از آن که هواپیمای رבוته‌شدهٔ چهارم در ایالت پنسیلوانیا سقوط کرد، از وجود آن اطلاع یافتند که این اظهارات اولیهٔ مقامات پنتاگون را رد می‌کند.



عکس ماهواره ای از ساختمان مقر فرماندهی وزارت دفاع امریکا، پنتاگون. ۷ سپتامبر ۲۰۰۱

هواپیماهای ربوده‌شده

- پرواز شماره ۱۱ شرکت هوایی امریکن ایرلاینز (en)، بوئینگ ۷۶۷، برخورد با برج شمالی مرکز تجارت جهانی در ساعت ۸:۴۶:۳۰ صبح به وقت محلی.
- پرواز شماره ۱۷۵ شرکت یونایتد ایرلاینز، بوئینگ ۷۶۷، برخورد با برج جنوبی مرکز تجارت جهانی در ساعت ۹:۰۲:۵۹ صبح به وقت محلی.
- پرواز شماره ۷۷ شرکت آمریکن ایرلاینز، بوئینگ ۷۵۷، برخورد با ساختمان پنتاگون در ساعت ۹:۳۷:۴۶ صبح به وقت محلی.
- پرواز شماره ۹۳ شرکت یونایتد ایرلاینز، بوئینگ ۷۵۷، سقوط در شنکسویل ایالت پنسیلوانیا در ساعت ۱۱:۱۰:۰۳ صبح به وقت محلی.

محدوده سازمان تجارت جهانی پس از حملات ۱۱ سپتامبر، منهتن، نیویورک

راه پیشروی هواپیماها از بالا و چگونگی برخورد آنها

۸:۴۵ - برخورد نخستین هواپیمای ربوده شده به برج‌های مرکز تجارت جهانی

۹:۰۳ - برخورد دومین هواپیمای ربوده شده به برج‌های مرکز تجارت جهانی

۹:۱۷ - اعلام تعطیلی فرودگاه‌های منطقه نیویورک

۹:۲۱ - اعلام ممنوعیت تردد در کلیه تونل‌ها و پل‌های نیویورک

۹:۳۰ - جورج دبلیو بوش رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در فلوریدا اعلام کرد که ایالات متحده آمریکا مورد حمله قرار گرفته‌است

۹:۴۰ - اعلام ممنوعیت پرواز بر فراز ایالات متحده آمریکا برای نخستین بار در تاریخ هوانوردی این کشور

۹:۴۳ - برخورد یک هواپیمای ربوده شده به ساختمان پنتاگون در واشینگتن، دی.سی.

۹:۴۵ - تخلیه کاخ سفید

۹:۵۷ - پرواز بوش از فلوریدا

۱۰:۰۵ - فرو ریختن برج جنوبی مرکز تجارت جهانی

۱۰:۱۰ - فرو ریختن یک ضلع ساختمان پنتاگون

۱۰:۱۰ - سقوط یک فروند هواپیمای ربوده شده در پنسیلوانیا

۱۰:۱۳ - تخلیه ساختمان سازمان ملل متحد در نیویورک

۱۰:۲۲ - تخلیه وزارت امور خارجه و وزارت دادگستری ایالات متحده و ساختمان بانک جهانی در واشینگتن دی سی

۱۰:۲۴ - انتقال کلیه هواپیماهای در حال پرواز در آسمان آمریکا به کانادا

۱۰:۲۸ - سقوط برج شمالی مرکز تجارت جهانی

۱۰:۴۵ - تعطیلی کلیه ساختمان‌های دولت فدرال در واشینگتن، دی.سی.

۱۰:۴۶ - قطع سفر کالین پاول وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا به آمریکای لاتین و بازگشت به کشور

۱۰:۵۴ - تعطیلی کلیه اماکن دیپلماتیک اسرائیل در سراسر جهان

۱۰:۵۷ - اعلام تعطیلی کلیه مراکز دولت ایالتی نیویورک

۱۱:۰۲ - درخواست رودی جولیانى شهردار نيويورک برای ماندن شهروندان در منازل

۱۱:۱۸ - اعلام گم شدن دو فروند هواپيماى مسافربرى آمريکا: پرواز ۱۱، یک فروند بوئينگ ۷۶۷ از مبدأ بوستون به مقصد لس‌آنجلس به همراه ۸۱ مسافر و ۱۱ خدمه و پرواز ۷۷، یک فروند بوئينگ ۷۵۷ از مبدأ واشينگتن دی سی به مقصد لس‌آنجلس با ۵۸ مسافر و ۵ خدمه .

۱۱:۲۶ - اعلام سقوط پرواز ۹۳ از مبدأ نيوجرسى به مقصد سان‌فرانسيסקو

۱۱:۵۹ - اعلام سقوط پرواز ۱۷۵ از مبدأ بوستون به مقصد لس‌آنجلس با ۵۶ مسافر و ۹ خدمه

۱۲:۰۴ - تخلیه فرودگاه بين‌المللى لس‌آنجلس

۱۲:۱۵ - تخلیه فرودگاه بين‌المللى سانفرانسيסקو

۱۲:۱۵ - اعلام بالاترين وضعيت خطر در مرزهاى ايالات متحده آمريکا با کانادا و مکزيک

۱۲:۳۰ - اعلام اين‌که ۵۰ فروند هواپيما در آسمان آمريکا در حال پرواز هستند

۱۳:۰۴ - جورج بوش از پایگاه نیروی هوایی در بارکس دیل Barksdale Air Force Base گفت که ارتش ایالات متحده در سرتاسر جهان به حال آماده باش کامل درآمده‌است و تأکید کرد که عاملين اين جنايات به‌شدت مجازات خواهند شد

۱۳:۲۷ - اعلام وضعيت اضطرارى در شهر واشينگتن دی سی

۱۳:۴۴ - پنتاگون اعلام کرد ۵ ناو جنگی و ۲ ناوهواپيما بر مسئوليت تأمین امنيت سواحل شرقی ايالات متحده را برعهده گرفته‌اند

۱۳:۴۸ - پرواز جورج بوش از پایگاه نیروی دریایی براکس دیل در لوئیزیانا به نقطه نامعلوم

۱۴:۳۰ - اعلام ممنوعيت پروازهاى تجارى در سرتاسر آمريکا تا روز چهارشنبه

۱۵:۵۵ - اعلام حضور جورج بوش در یک پایگاه نیروی هوایی در نبراسکا، شرکت بوش در یک کنفرانس ويدئويى با شرکت دیک چينى و کاندوليزا رايس

۱۶:۰۰ - سى‌ان‌ان خبر داد که مقامات آمريکايى به احتمال زياد اسامه بن لادن را مسبب وقوع حوادث تروريستى می‌دانند

۱۶:۱۰ - آتش‌سوزى در ساختمان شماره ۷ مرکز تجارت جهانى

۱۶:۲۵ - تعطيلی بازار بورس نيويورک (وال استريت)

۱۶:۳۰ - پرواز جورج بوش از پایگاه نیروی هوایی آفوت در نبراسکا به سوى واشينگتن دی سی

۱۷:۲۰ - سقوط ساختمان شماره ۷ مرکز تجارت جهانى با ۴۷ طبقه

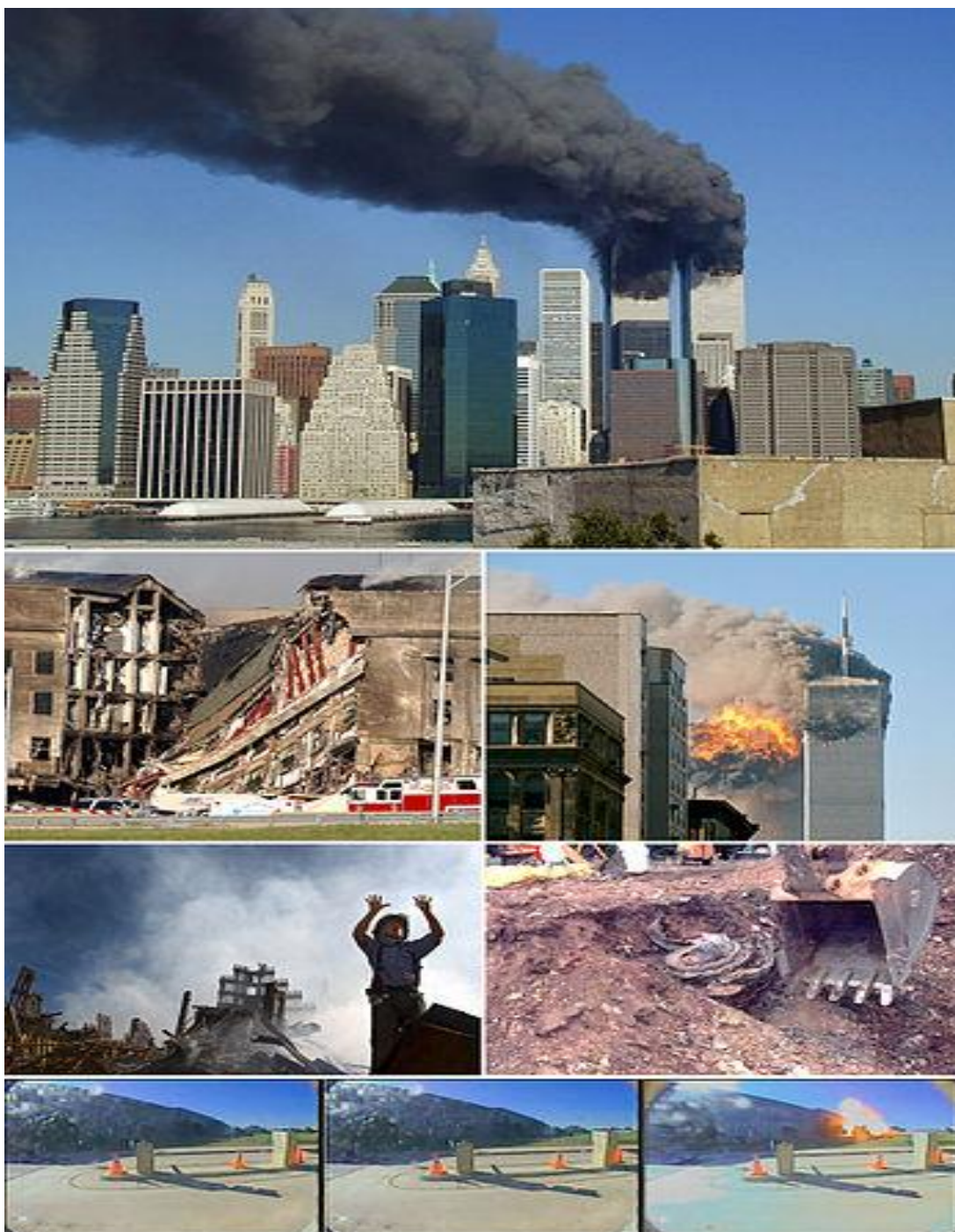
۱۸:۵۴ - ورود جورج بوش به واشينگتن تحت تدابير شديد امنيتى، بازگشت لورا بوش به کاخ سفيد

آسیب‌ها و ویرانی‌ها

بخش پایینی باقی‌مانده یکی از آسمان خراشهای دوقلوی مرکز تجارت جهانی در شهر نیویورک. در نگاره یکی از کارکنان دپارتمان آتش‌نشانی نیویورک دیده می‌شود.

سه ساختمان در مرکز تجارت جهانی تخریب شدند :

- برج جنوبی (۲) WTC در ساعت ۹:۵۹ بعد از ۵۶ دقیقه آتش‌سوزی فرو ریخت.
- برج شمالی (۱) WTC در ساعت ۱۰:۲۸ بعد از ۱۰۲ دقیقه آتش‌سوزی فرو ریخت.
- برج شماره ۷ (۷) WTC در ساعت ۵:۲۰ فرو ریخت.
- همچنین یک فروند هواپیمای بوئینگ ۷۵۷ شرکت آمریکن ایرلاینز در ساعت ۹:۳۷ صبح به وقت محلی با ساختمان پنتاگون در واشینگتن برخورد کرد و باعث تخریب بخشی از آن شد.



شمار کشته‌شدگان

در کل ۲۹۷۴ تن با به‌شمار آوردن هواپیما ربایان ۲۹۹۳ تن دربردارنده ۲۴ تن گمشده در حمله‌های ۱۱ سپتامبر کشته شدند؛ که به شرح زیر است .

• ۲۴۶ تن در ۴ هواپیما به استثنای هواپیماربایان دربردارنده‌ی:

۱. پرواز شماره ۱۱ آمریکن: ۸۸ تن
۲. پرواز شماره ۱۷۵ یونایتد: ۵۹ تن
۳. پرواز شماره ۷۷ آمریکن: ۵۹ تن
۴. پرواز شماره ۹۳ یونایتد: ۴۰ تن

• ۲۶۰۲ تن در برج‌های مرکز تجارت جهانی

• ۱۲۵ تن در پنتاگون

از میان این افراد ۳۴۳ تن از دپارتمان آتش‌نشانی نیویورک، ۲۳ تن از دپارتمان پلیس نیویورک و ۳۷ تن از دپارتمان پلیس بندر نیویورک بودند. ژنرال تیموتی مودی بلندپایه‌ترین مقام کشته شده در پنتاگون بود .

هواپیماربایان در مجموع ۱۹ نفر بودند، که شامل ۵ نفر در پرواز شماره ۱۱ آمریکن ایرلاینز، ۵ نفر در پرواز شماره ۱۷۵ یونایتد ایرلاینز، ۵ نفر در پرواز شماره ۷۷ آمریکن ایرلاینز و ۴ نفر در پرواز شماره ۹۳ یونایتد ایرلاینز می‌شدند . محمد محمد‌الأمیر عوض السید عطا معروف به «محمد عطا» یکی از پنج رباینده پرواز شماره ۱۱ آمریکن ایرلاینز بود که پس از ربودن هواپیما به عنوان خلبان کنترل هواپیما را به دست گرفته و آن را به برج شمالی کوئید. تنها تبعه مصری حاضر در حملات محمد عطا بود . ملیت هواپیماربایان را ۱۵ تبعه عربستان سعودی، ۲ تبعه امارات عربی متحده، یک تبعه مصر و یک تبعه لبنان تشکیل می‌داد. تیم عملیاتی حادثه ۱۱ سپتامبر تماماً عرب و عضو سازمان القاعده بودند

اهداف تروریست‌ها در این عملیات حمله انتحاری به دو برج تجارت جهانی در نیویورک و ساختمان پنتاگون وزارت دفاع آمریکا) بود که به وسیله سه هواپیمای مسافربری انجام شد در طی این حوادث و در مجموع ۲۹۹۲ نفر (با احتساب هواپیما ربایان) کشته شدند .

واکنش‌ها

پس از این حمله بسیاری از کشورها با آمریکاییان هم دردی کردند. روزنامه لوموند جمله «ما همه آمریکایی هستیم» را تیترو اول خود کرد . بیشتر رهبران کشورهای خاورمیانه از جمله دولت وقت افغانستان این حمله را محکوم کردند؛ ولی عراق در این بین یک استثنا بود. دولت وقت عراق بلافاصله پس از این حادثه طی یک بیانیه رسمی اعلام کرد که آمریکا میوه «جنایات خود علیه انسانیت» را چید^{۱۱}. گروهی از مردم فلسطین نیز این حادثه را جشن گرفتند و ابراز شادی کردند^{۱۲}. یک ماه بعد آمریکا یک ائتلاف بین‌المللی را برای جنگ با افغانستان رهبری کرد پاکستان ضمن همکاری با آمریکا، پایگاه‌های هوایی خود را در اختیار آمریکا قرار داد و حدود ۶۰۰ نفر از مظنونین به شرکت در اقدامات تروریستی را دستگیر کرد^{۱۴}. کشورهای مختلف جهان قوانین سخت‌گیرانه‌ای را در مورد حساب‌های بانکی وضع کردند تا مانع از استفاده گروه‌های تروریستی از حساب‌های بانکی برای اهداف تروریستی شوند در آمریکا قوانین از جمله قانون میهن‌پرستی برای کنترل افراد متهم به دخالت در اعمال تروریستی به تصویب رسید . این قانون به‌شدت مورد انتقاد گروه‌های حامی حقوق شهروندی در آمریکا قرار گرفت . زیرا این گروه‌ها معتقد بودند که این قوانین به دولت اجازه نقض حریم شخصی افراد را می‌دهد .

واکنش کشور ایران

ایران از نخستین کشورهایی بود که پس از این حادثه پیام همدردی با مردم آمریکا ارسال کرد و عده‌ای از مردم ایران نیز با حضور در محل سفارت سوئیس در تهران که حافظ منافع آمریکا در ایران است، با روشن کردن شمع با مردم آمریکا ابراز همدردی کردند.

در پیام محمد خاتمی، رئیس جمهوری وقت ایران در روز یازده سپتامبر ۲۰۰۱ آمده بود: «به نام ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران، اقدام تروریستی هواپیماربایی و حمله به مراکز عمومی در شهرهای آمریکا را که شمار زیادی از مردم بی‌دفاع را به کام مرگ کشید محکوم می‌کنم و تأسف عمیق و همدردی خود را با ملت آمریکا به‌ویژه آسیب‌دیدگان و خانواده قربانیان حادثه اعلام می‌دارم .

وی در پیام خود افزوده بود: «تروریسم محکوم است و جامعه جهانی باید ریشه‌ها و ابعاد آن را بشناسد و برای خشکاندن آن گام‌های اساسی بردارد .اراده اصولی دولت جمهوری اسلامی ایران قطعاً در این مسیر قرار دارد و برای تحقق این باور اسلامی و انسانی از هیچ اقدامی دریغ نخواهد داشت .

وزارت خارجه آمریکا در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱ با انتشار بیانیه‌ای در دهمین سالگرد حملات ۱۱ سپتامبر از همدردی مردم ایران در سال ۲۰۰۱ تشکر کرد .

محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور بعدی ایران بارها در سخنرانی‌های خود رخداد ۱۱ سپتامبر را «یک دروغ بزرگ» نامید .وی در دهمین سالگرد این حملات تروریستی گفت: ۱۱ سپتامبر در اصل یک بازی طراحی شده برای تحت تأثیر قرار دادن عواطف جامعه بشری و پیدا کردن بهانه برای حمله به منطقه اسلامی و اشغال عراق و افغانستان بود و باعث شد یک میلیون انسان بی‌گناه کشته شوند

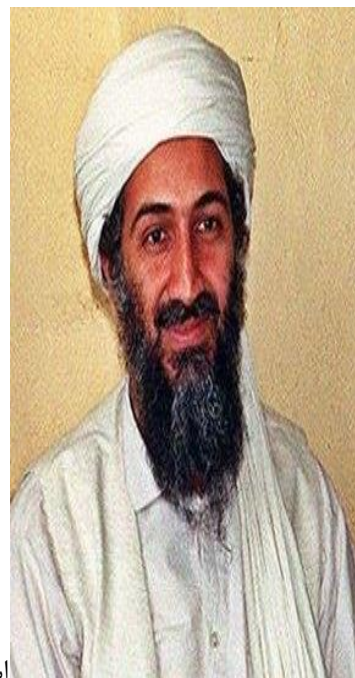


انگیزه حمله

در سال ۱۹۹۸ هیئت رهبری القاعده متشکل از اسامه بن لادن، ایمن الظواهری، احمد رفیع طاهرا، میر حمزه و فضل الرحمان فتوایی را صادر کرد که در آن گفته شده بود وظیفه هر مسلمان کشتن هر آمریکایی در هر جایی از جهان است



ایمن الظواهری



اسامه بن لادن



خالد شیخ محمد

نقشه حمله

ایده این حملات اولین بار توسط خالد شیخ محمد در سال ۱۹۹۶ به بن لادن پیشنهاد شد.^[۲۱] در آن زمان بن لادن با این اقدام مخالفت کرد. بن لادن در آن زمان اقدامات خود را در سودان و افغانستان متمرکز کرد و طرح بمب گذاری در سفارت های آمریکا را در چند کشور آفریقایی در سال ۱۹۹۸ اجرا نمود. در سال ۱۹۹۹ بن لادن از خالد شیخ محمد خواست که طرح حمله خود را بهبود ببخشد. بن لادن رهبری و تأمین مالی طرح را بر عهده گرفت. او اهدافی را که باید مورد حمله قرار گیرد مشخص کرد؛ و هواپیماربایان، از جمله محمد عطا رهبر هواپیماربایان را نیز خود انتخاب کرد.^[۲۳] بن لادن با برخی از طرح های شیخ محمد مخالفت کرد؛ از جمله حمله به برج بانک آمریکا در لس آنجلس.^[۲۴] کمیسیون بررسی کننده این حمله در گزارش خود هزینه این حمله را ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار دلار اعلام کرد؛ ولی منبع تأمین مالی این حمله مشخص نشد.



زکریا موسوی، تنها کسی است که در ارتباط با حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا تحت محاکمه قرار گرفته است، وی شهروند فرانسوی مراکشی تبار است که به همکاری با شبکه القاعده علیه آمریکا اعتراف کرده است .

در جریان محاکمه، موسوی گفته بود پشیمان نیست و آرزو کرده بود هر روز مانند ۱۱ سپتامبر باشد. زکریا موسوی در ماه اوت ۲۰۰۱ در یک مدرسه آموزش خلبانی در ایالت مینسوتای آمریکا آموزش می دید که دو تن از مربیان خلبانی به رفتار او مشکوک شدند و پلیس فدرال را در جریان قرار دادند .

او سپس به اتهام نقض مقررات مهاجرت بازداشت شد و در زمان حملات ۱۱ سپتامبر در زندان بود، دادستانها اعتقاد داشتند اطلاعاتی که آقای موسوی درباره حملات ۱۱ سپتامبر در اختیار داشته می توانسته ۳۰۰۰ نفری که در آن روز کشته شدند، از مرگ نجات دهد .

وی ابتدا با خطر اعدام مواجه بود ولی وکلای مدافع آقای موسوی با موفقیت استدلال کردند که او باید حبس ابد بگیرد زیرا اگر اعدام شود به آرزوی خود برای کشته شدن خواهد رسید. وکلای مدافع آقای موسوی همچنین استدلال کرده اند که موکل آنها مبتلا به بیماری روانی است



دست های پشت پرده رژیم صهیونیستی در حوادث ۱۱ سپتامبر

آمریکا در چارچوب پروژه هرج و مرج خلاق از حوادث ۱۱ سپتامبر که دست سرویس های جاسوسی آمریکایی - صهیونیستی در اجرای آن پیدا بود، برای تسلط بر کشورهای منطقه بهره برد .

به گزارش گروه بین الملل خبرگزاری تسنیم، پائولو سنسینی نویسنده ایتالیایی کتاب "تفرقه بینداز و حکومت کن، استراتژی هرج و مرج در قرن ۲۱" در آن با طرح مسایل مختلف به تشریح توطئه های آمریکا بر ضد کشورهای جهان و حاکمیت لابی های صهیونیستی بر دولت آمریکا و همچنین طرح های واشنگتن برای آینده منطقه پرداخته است.

آمریکا و توطئه شکل گیری القاعده

کتاب مذکور در جستجو در رابطه آمریکا با ماهیت سازمان القاعده به اظهارات زیگنیو برژینسکی مشاور امنیت ملی اسبق آمریکا اشاره کرد که در اظهاراتی گفته است: سرویس های اطلاعاتی آمریکا (CIA) حمایت خود را از مجاهدان در سال ۱۹۸۰ اعلام کردند، یعنی زمانی که افغانستان هدف اشغالگری شوروی ها قرار گرفته بود. البته واقعیت تاریخی آغاز حمایت سرویس های جاسوسی آمریکا از مجاهدان افغان همچنان محرمانه باقی مانده، چرا که تناقض هایی در روایت های مختلف در این زمینه وجود دارد. در روز سوم ژوئن ۱۹۷۹ جیمی کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا به سرویس های جاسوسی این کشور اجازه داد مخالفان دولت افغانستان را که در آن زمان متحد شوروی به شمار می رفت، به صورت محرمانه حمایت و پشتیبانی کنند. در آن زمان برژینسکی ملاحظات خود را به رئیس جمهور نوشت و تأکید کرد که این کمک ها ممکن است شوروی ها را به سمت مداخله نظامی سوق دهد. برژینسکی این اقدامات را مأموریتی سری یا پیشنهادی موفق می خواند که باعث شد روس ها وارد کمینگاه افغانستان شوند. وقتی که روسیه از مرزهای افغانستان عبور کرده و نیروهای خود را وارد این کشور کرد، برژینسکی خطاب به رئیس جمهور آمریکا نوشت: الان ما این فرصت را در اختیار داریم که شوروی ها را وارد ویتنام ویژه خودشان کنیم. به این ترتیب مسکو وارد جنگی شد که قادر به تحمل تبعات آن نبود، جنگی که تا ۱۰ سال باعث فروپاشی اقتصاد شوروی شد و در نهایت زمینه های تجزیه اتحادیه جماهیر شوروی را فراهم کرد.

در ابتدای دهه ۸۰ قرن گذشته میلادی بیشتر گروه ها به صورت منسجم با مواضع سیاسی دولت آمریکا، سعی داشتند مجاهدان افغان را در نزد افکار عمومی دنیا قهرمان و مبارز برای آزادی نشان دهند. ماشین تبلیغاتی سینمایی هالیوود نیز در این راستا به خدمت گرفته شد تا چهره ای مثبت از مقاومت مسلحانه در افغانستان ارائه دهد. برژینسکی در این رابطه می گوید: ما به حمایت خود از مجاهدان ادامه داده تا اینکه گروهی منظم تحت عنوان القاعده شکل گرفت، گروهی که یگان مسلح اسلامی وابسته به سرویس های جاسوسی آمریکا بود و موفق شد بسیاری از مأموریت هایی که دولت آمریکا بر عهده آن گذاشته بود را انجام دهد. همچنین مأموریت ادامه عملیات نظامی که از مهم ترین اولویت های ژئوپلیتیک در دنیای غرب بود نیز به عهده این گروه گذاشته شده بود.

رابرت گیتس مدیرکل اسبق سرویس های اطلاعاتی آمریکا که منشی دفاعی دولت آمریکا نیز در دوره ریاست جمهوری بوش و اوباما بوده است، می گوید: حجم برنامه محرمانه ای که جزئیات آن توسط سی آی ای برای کمک و حمایت از مجاهدان افغان تشکیل شده بود، روز به روز افزایش پیدا کرد تا اینکه نهایتاً هزینه های آن بالغ بر ۵۰۰ میلیون دلار در سال بود که آمریکا و عربستان آن را تأمین می کردند و این کمک ها از طریق دولت محمد ضیاء الحق در پاکستان به دست مبارزان می رسید. موضوعاتی که براساس این پروژه در میان مجاهدان ترویج می شد، این بود که اسلام ایدئولوژی سیاسی اجتماعی کاملی دارد و قداست اسلام از سوی ارتش ملحد شوروی مورد توهین قرار گرفته است، بنابراین ملت مسلمان افغانستان باید استقلال خود را باز پس گرفته و حکومت چپ گرای افغانستان که از سوی مسکو حمایت می شود، را براندازی کند.

ه نوشته سنسینی البته واقعیت این است که تمامی این مزدوران همواره تحت دستور خاندان السدیری یکی از خانواده های متحد آمریکا در خاندان حاکم عربستان قرار دارند که بندر بن سلطان یکی از مهم ترین شخصیت های آن بوده و هرگز همکاری های ویژه خود با سرویس های جاسوسی آمریکا را قطع نکرده است.

بعد از خروج نیروهای شوروی از اراضی افغانستان در سال ۱۹۸۹ و فروپاشی کامل شوروی، القاعده و تمامی گروه های مسلح پیرامون آن در رسانه های بین المللی از پدیده های زیبا در دست سرویس های جاسوسی آمریکا، به موجوداتی شرور متخاصم با

غرب تغییر چهره دادند. این تغییر ناگهانی برای آن بود که خلأ ناشی از پایان موازنه های بین‌المللی بین شرق و غرب یعنی بین دو قطب شوروی و اتحاد ناتو پر شود.

آمریکا و مرحله پس از ۱۱ سپتامبر

بر اساس مطالب کتاب "تفرقه بینداز و حکومت کن"، ریشه های استراتژی جدیدی که آمریکا در سیاست خارجی خود در پیش گرفته و برای اولین بار بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ آن را به اجرا گذاشت را می توان در پایان سال ۱۹۹۲ جستجو کرد، هنگامی که ریچارد بروس چنی معروف به دیک چنی وزیر جنگ آمریکا، پل ولفوویتز را که نفر سوم پنتاگون بود؛ به همراه رئیس دفترش یعنی آروینگ لوئیس لیبی ملقب به اسکوتر مسئول مستقیم تدوین برنامه‌ای جدید در استراتژی دفاعی آمریکا کرد تا در سالهای ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹ مرجع فعالیت‌های دولت آمریکا شود. این سند با عنوان "طرح فرماندهی دنیا" شناخته می‌شود و بسیاری از رویکردها و افکاری با نام نظریه ولفوویتز شناخته می‌شود و بعدها مورد انتقاد شدید روزنامه های نیویورک تایمز و واشنگتن پست قرار گرفته، را در خود جای داده است.

سنسینی تاکید می کند که این نظریه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی مطرح شد و مبانی و پایه‌های مشترک در استراتژی دفاع از منافع آمریکا و منافع دولت صهیونیستی به عنوان یک برنامه مشترک مطرح می‌کند. وولفوویتس در این زمینه می‌گوید که باید از بروز رقیبی جدید در جغرافیای از هم پاشیده اتحاد جماهیر شوروی یا هر منطقه جغرافیایی دیگر که بتواند تهدیدی مشابه تهدید شوروی را برای آمریکا فراهم کند، پیشگیری شود. این موضوع می‌طلبد که آمریکا خود را به عنوان تنها فرمانده توانمند دنیا معرفی کند که قدرت ایجاد نظم نوین جهانی را داشته و به این ترتیب رقبای احتمالی را قانع کند که نمی‌توانند نقش‌های اساسی و مهمی را در این پروژه بر عهده بگیرند و نباید مواضع خصمانه‌ای در دفاع از منافع مشروع خود اتخاذ کنند.

برژنسکی می‌گوید که آمریکا با این دیدگاه می‌تواند در چهار زمینه استراتژیک، رهبری جهان را در دست بگیرد: اول در ابعاد نظامی که تسلط مطلق و غیر متنازع در جهان را در اختیار دارد. دوم در ابعاد اقتصادی است که از طریق تسلط بازارهای آمریکا بر حرکت بازارهای جهانی دنبال می‌شود. البته در این زمینه استثنائاتی نیز وجود دارد و برخی فعالیت‌ها از برتر شدن اقتصاد آلمان یا ژاپن حکایت دارد که در سه زمینه دیگر قدرت رقابت و برتری بر آمریکا را ندارند. محمور سوم بخش تکنولوژیک است که آمریکا در این زمینه نیز به ویژه در فعالیت‌های مربوط به اختراعات و تکنولوژیک در صدر قرار دارد. موضوع استراتژیک چهارم در ابعاد فرهنگی است که الگوی آمریکا باعث جذب بسیاری از نسل جوان در گوشه و کنار دنیا شده است.

به ادعای برژنسکی برتری آمریکا در این موارد وزنه سیاسی بی‌نظیری به آن داده و صدارت این کشور در چهار عرصه باعث می‌شود آمریکا به قدرت برتر تأثیرگذار در دنیا تبدیل شود و رقابت و همراهی با آن در سطح رهبری دنیا مشکل باشد.

ریشه های صهیونیستی سیاست آمریکایی هرج و مرج خلاق

بر اساس آنچه که در این کتاب آمده است، آمریکا از طریق اجرای سیاست "هرج و مرج خلاق" سعی دارد ساختار نظم نوین جهانی را بازسازی نماید. این کشور معتقد است که منطقه خاورمیانه بار دیگر به صورت کامل باید مورد تجدیدنظر قرار گرفته و "دولتچه" هایی با اختلافات فرقه‌ای و طایفه‌ای و عشایری در آن پدید آید. بر اساس این طرح باید مساحت جغرافیایی جدیدی شبیه قطعه‌های موزائیک تشکیل شود که خصومت و دشمنی پایدار در میان آنها موج می‌زند و آنها را تبدیل به جوامعی وحشی بکند که در بهترین حالت، زیرساخت‌های اجتماعی و مبانی انسانی برای ایجاد جوامع مدرن کنونی را در اختیار نداشته باشند.

بر کسی پوشیده نیست که حمایت‌های اقتصادی و نظامی و دیپلماتیک آمریکا از رژیم اسرائیل، در مورد هیچ دولت دیگری سابقه ندارد، این اوضاع در درجه اول به نقش و تسلط لابی‌های یهودی در مؤسسات تصمیم سازی آمریکا باز می‌گردد. از آنجا

که صهیونیست‌ها وزن تأثیرگذاری در تعیین سیاست‌های خارجی آمریکا دارند، اودید یونین یکی از روزنامه‌نگاران نزدیک به هرم قدرت در تل آویو مقاله‌ای را در سال ۱۹۸۲ در یک روزنامه جنبشی یهودیت به چاپ رساند که نشان دهنده استراتژی اسرائیل در خاورمیانه در سال‌های دهه ۸۰ و ۹۰ قرن گذشته میلادی بوده است. این مقاله که به زبان انگلیسی نیز چاپ شد، تأکید دارد که این پروژه در دو محور تلاش برای بقای اسرائیل و تبدیل شدن آن به یک قدرت امپریالیستی در منطقه خاورمیانه و تلاش برای تفکیک و تجزیه دولت‌های عربی و تبدیل کردن آنها به دولت‌های کوچک واگرا براساس رویکردهای فرقه‌ای و نژادی و عشایری دنبال می‌شود.

به نوشته این کتاب این پروژه تحت نظارت کابینه دیوید بن گوریون نخست وزیر اسبق رژیم صهیونیستی آغاز شد و تلاش کرد مرزهای کنونی مناطق عربی را تغییر داده و دولت‌های کوچکی را که همواره با هم در رقابت و درگیری باشند، تشکیل دهد. تحلیلگران اسرائیلی اعتقاد دارند که اجرای این پروژه از طریق هجمه تبلیغاتی گسترده برای افزایش روحیه خصومت و دشمنی نسبت به مردم در میان ساکنان سرزمین‌های اشغالی قابل تحقق است. این رویکرد می‌تواند فضای روانی ایده آلی را برای پیشبرد سناریوی مذکور ایجاد کند. آن‌ها معتقدند کارهای اولیه اجرای این طرح، تجزیه دولت سوریه به دولت‌های کوچک و انتقال روند تجزیه به عراق و لبنان است. براساس این سناریو دولت سوریه باید به هویت‌های متفاوت مردمی و مذهبی تبدیل شود، به گونه‌ای که یک قدرت علوی شیعی در طول سواحل این کشور شکل گرفته و در شهر حلب و اطراف آن نیز یک دولت سنی تأسیس شود. همچنین ممکن است دولت سنی دیگری نیز در شهر دمشق تشکیل شود که مخالف دولت سنی حلب باشد، دروزی‌ها نیز می‌توانند دولتی مخصوص به خود در بلندی‌های جولان تشکیل دهند.

عراق نیز که از ثروت‌های گسترده نفتی برخوردار بوده و در عین حال مردم دچار گسست اجتماعی هستند، یکی از اهداف مهم رژیم اسرائیل به شمار می‌رود. تجزیه عراق یکی از اهداف اصلی پروژه مذکور بوده و حتی اهمیتی بیشتر از تجزیه دولت سوریه دارد. براساس این طرح عراق نیز باید به سه دولت کوچک به پایتختی شهرهای موصل و بغداد و بصره تقسیم شود. شیعیان جنوب عراق باید به طور کامل از مناطق سنی‌نشین و کردنشین جدا شوند. همین تحلیل استراتژیک که در فوریه سال ۱۹۸۲ منتشر شد، مبنای تصمیمات آینده منطقه بود، به گونه‌ای عراق بعد از اشغال از سوی دولت‌های انگلیس و آمریکا در معرض هدف این استراتژی قرار گرفت و نشانه‌های این طرح در آن بروز پیدا کرده و به واقعیت نزدیک‌تر شد.

حادثه ۱۱ سپتامبر و طرح‌های بلند مدت آمریکا

کتاب تفرقه بینداز و حکومت کن نوشته پائولو سنسینی نویسنده ایتالیایی می‌افزاید که در ژوئیه سال ۱۹۹۶ تیمی از نو محافظه‌کاران افراط‌گرا که مناصب مهمی را در دولت این کشور در اختیار داشتند نظیر ریچارد پلر، داگلاس فیث و جیمس کولبرت و دیگران سندی را به بنیامین نتانیاهو وزیر وقت کابینه رژیم صهیونیستی با عنوان استراتژی جدید تضمین امنیت ارائه کردند. این سند از حمله نظامی به عراق و سوریه و ایران و لبنان به عنوان گام‌های اولیه ترسیم مجدد نقشه خاورمیانه جدید خبر داد که در آن تسلط مطلق با اسرائیل باشد. در این راستا گروهی از نو محافظه‌کاران آمریکا فشارهای مستقیم و فشرده خود را برای براندازی دولت بغداد با استفاده از زور ادامه دهند. این فعالیت‌ها حتی قبل از روی کار آمدن جورج بوش پسر نیز تأثیرات خود را داشت.

در ابتدای سال ۱۹۹۸ این تیم دو نامه جنجالی را برای بیل کلینتون رئیس‌جمهور آمریکا ارسال کرده و در آن خواستار برکناری صدام حسین از حاکمیت عراق شدند. علاوه بر دو نامه مذکور که توسط شخصیت‌های مؤثر در دولت آمریکا امضا شد، نو محافظه‌کاران در سال ۱۹۹۸ فشارهای گسترده‌ای را به کنگره وارد کردند تا بتوانند قانون جدیدی را به تصویب رساند که آمریکا را مسئول آزادسازی عراق معرفی کند.

در سال ۲۰۰۰ آمریکا و اسرائیل برای تأسیس تیم مشترکی برای مبارزه با تروریسم به توافق رسیدند. این تیم از طریق خط ارتباط مستقیم اطلاعات بین پنتاگون و وزارت جنگ اسرائیل تشکیل شد. در سپتامبر همان سال تیم کاری موسوم به Project for the New Americas Defenses سند جدیدی را تحت عنوان بازسازی خطوط دفاعی آمریکا منتشر کرد.

در این سند بر ضرورت ایجاد امپراتوری آمریکا در خاورمیانه بعد از رهایی کامل از تهدیدات فرارو نظیر دولت‌های موجود در عراق، سوریه و ایران تاکید شده بود.

گزارش نهایی که رامسفلد و ژنرال جی گارنر در روز ۱۱ ژانویه ۲۰۰۱ آن را ارائه کردند پیش بینی می‌کرد که حادثه مصیبت‌باری در آینده اتفاق بیفتد. در دو گزارش تهیه شده از سوی کارمندان ارشد آمریکایی از جمله رامسفلد توضیح داده شده است که یک حادثه مصیبت‌بار و غیرقابل انتظار انجام خواهد شد که می‌تواند محرک اصلی عنوان جدید سیاست خارجی آمریکا باشد. این حادثه لزوماً می‌بایست سروصدای زیادی به پا می‌کرد، درست مانند حادثه‌ای که در گذشته با عنوان هاربور پرل انجام شده است. در اینجا باید اشاره کنیم که گزارش دیگری در مارس سال ۲۰۰۱ یعنی شش ماه قبل از حوادث ۱۱ سپتامبر به نگارش درآمده بود که به صورت مفصل از حوادث موجود در این روز پرده برمی‌داشت. این گزارش از طریق بروس هافمن نایب رئیس مجموعه رند نوشته شده بود. این مجموعه از حمایت مالی گسترده شرکت‌های تسلیحات نظامی برخوردار بوده و ارتباط بسیار نزدیکی با فعالیت‌های وزارت دفاع آمریکا دارد. رئیس افتخاری شرکت در آن زمان دونالد رامسفلد بود که وزیر جنگ آمریکا بود.

بنا به نوشته سنسینی در روز ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ یک اتفاق بی‌سابقه افتاد و آن این بود که آمریکا از متحدان خود در ناتو و سایر متحدان اروپایی خواست تا ماده پنج از معاهده واشنگتن را به اجرا گذاشته و آمادگی خود را برای مشارکت در جنگ بر ضد تروریست در کنار آمریکا اعلام کنند. ۱۴ دولت عضو ائتلاف ناتو تجهیزات نظامی خود را برای مشارکت در این جنگ گسیل کردند.

اظهارات ابیهود باراک در ساعت ۱۴ بعد از ظهر روز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به ساعت نیویورک که از دفتر رسمی وی در قدس به تمامی شبکه‌های رسانه‌ای منتشر شد، همگام با اظهاراتی بود که بنیامین نتانیاهو رهبر حزب لیکود در سال ۱۹۹۵ مطرح کرده و برای اولین بار از واژه جنگ بر ضد تروریسم استفاده کرده بود. باراک در این اظهارات گفت: حالا شما می‌توانید میزان خطر فلسطینی‌ها در امنیت و سلامت دنیا را درک کنید، حادثه حمله تروریستی به برج‌های دوقلو و پنتاگون درست بودن مواضع ما و جنگ آمریکا در عراق را تأیید خواهد کرد و افکار عمومی را در کنار ما قرار خواهد داد. در همین روز جیمز بنت خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز از دلایل این فاجعه و تأثیرات آن بر مناسبات آمریکا و اسرائیل سؤال کرد. نتانیاهو در پاسخ به این سؤال گفت: اتفاقی که افتاده اتفاق خوبی است. وی بلافاصله حرف خود را تصحیح کرده و ادامه داد: به اعتقاد من اتفاقی که رخ داد خوب نیست، اما باعث همبستگی بین دو طرف خواهد شد.

مستول ارشد سرویس اف بی آی در ۱۹ آوریل سال ۲۰۰۲ این گونه اعتراف کرد: شش ماه بعد از حضور ما در افغانستان مؤسسات نظامی آمریکا نتوانستند هیچ دلیل و سندی پیدا کنند که این موضوع را با فاجعه ۱۱ سپتامبر ارتباط دهند. این دیدگاه رسوایی بزرگی را ایجاد کرد، نظیر همان روزهایی که در نتیجه عدم وجود دلایل مبنی بر حضور سلاح‌های کشتار جمعی در عراق بوجود آمده بود.

دست‌های پشت پرده اسرائیل در حوادث ۱۱ سپتامبر

کتاب تفرقه بینداز و حکومت کن در ادامه تشریح برنامه‌های صهیونیست‌ها برای مدیریت جهان تاکید می‌کند: در روزهای پس از حوادث ۱۱ سپتامبر روزنامه نیویورک تایمز اطلاعاتی را منتشر کرد که آنها را از منابع موثق در سرویس‌های جاسوسی آمریکا و بازرسان اف بی آی به دست آورده بود. براساس این اطلاعات سرویس مذکور در جریان حوادث ۱۱ سپتامبر و پس از آن موفق شد بیش از ۶۰ یهودی اسرائیلی را که در فعالیت‌های جاسوسی بر ضد افسران ارشد دولت آمریکا کار می‌کردند، بازداشت کنند. آنها اطلاعاتی را از حوادث قبل و پس از ۱۱ سپتامبر جمع‌آوری کردند و اطلاعات موجود را به سرویس‌های امنیتی آمریکا ندادند. در عصر روز ۱۱ سپتامبر پلیس شهر نیویورک پنج اسرائیلی را در این شهر بازداشت کردند که آن زمان با انجام این حملات تروریستی نسبت به وقوع این حوادث خوشحالی می‌کردند.

به نوشته این کتاب محل پارک خودروی این عده به گونه‌ای بود که مشاهده برج‌های دوقلو به صورت کامل و به بهترین شکل ممکن بود. این موقعیت عالی ترین منطقه برای تصویربرداری از این فاجعه بود ، لذا می‌توان گفت این گروه نسبت به زمان و مکان وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر اطلاع داشتند. با وجود خطرناک بودن این اتفاقات ، پلیس نیویورک در بازرسی از خودروی تیم مذکور به مجموعه‌ای اسکناس و گذرنامه‌های متعدد و نقشه کاملاً ریز از شهر نیویورک دست پیدا کرد که در آن بر روی مناطق مهم شهر خطوط دایره‌ای کشیده شده بود. این ۵ نفر در خدمت موساد بودند. سه نفر از آنها پس از بازگشت به اسرائیل در تلویزیون این رژیم اعلام کردند که مأموریت آنها از مأموریت‌های ساده بود و تنها قرار بود حوادث به وقوع پیوسته را تصویربرداری کنند.

در سوی دیگر شبکه تلویزیونی فاکس نیوز در گزارشی پس از حوادث ۱۱ سپتامبر اعلام کرد که به اسناد محرمانه‌ای از یکی از کارمندان فدرال آمریکا دست پیدا کرده است که تأکید دارد سرویس‌های امنیتی آمریکا قبل از حوادث ۱۱ سپتامبر ۱۴۰ اسرائیلی را به تهمت جاسوسی از تمامی ادارات دولتی آمریکا بازداشت کردند.

یک منبع دیگر که در میان بازجوهای حاضر در این تحقیقات بود، در این رابطه گفت: تحقیقات ثابت کرد که روابط مشخصی بین افراد بازداشت‌شده اسرائیلی و حوادث ۱۱ سپتامبر وجود دارد.

فرانچسکو کوسیگا وزیر کشور سابق ایتالیا و یکی از شخصیت‌هایی که مناسبات گسترده‌ای با سرویس‌های اطلاعاتی داشت، پس از حملات ۱۱ سپتامبر در اظهاراتی گفته بود: فاجعه‌ای مانند حادثه ۱۱ سپتامبر قطعاً در نتیجه یک عقل مدبر با استفاده از تجهیزات بسیار پیشرفته و پیچیده انجام شده است و این عقل مدبر با جذب چند عامل انتحاری افراط‌گرا نمی‌تواند این کار را انجام دهد ، بلکه نیازمند عناصر آموزش‌دیده و متخصص است. چنین اقدامی تنها از طریق هم دستی واضح و نفوذ مسئولان سرویس‌های امنیتی قابل اجرا است. یکی از دلایل این سخن مطالبی بود که یکی از کارمندان شرکت Odigo در شهر هرتزلیا در اراضی اشغالی منتشر کرد. این محل همان منطقه‌ای است که مقر اصلی سازمان موساد نیز در آن قرار دارد. شرکت مذکور در اراضی آمریکا نیز شعبه داشته و مقر آن در شهر نیویورک در نزدیکی برج‌های دوقلو قرار دارد. دو کارمند این شرکت صبح روز حادثه و قبل از وقوع آن، پیام الکترونیک دریافت کرده بودند که نسبت به وقوع حمله‌ای بر ضد برج‌های دوقلو هشدار می‌داد. این موضوع برای اولین بار در تاریخ ۲۶ سپتامبر سال ۲۰۰۱ در روزنامه صهیونیستی هاآرتص منتشر شد.



شان کارتر دادستان اصلی شکات ۱۱ سپتامبر در این ارتباط گفت: مدتهاست که اعلام کرده‌ایم ارتباط نزدیک و طولانی مدتی میان القاعده و بخش‌های مذهبی دولت عربستان وجود داشته است.

طبق شکایت مطرح شده به نقل از اسناد اف بی آی «محمد القوذهایین» و «حمدان الشلوی» درواقع اعضای شبکه نیروهای عربستان در داخل آمریکا بوده و در توطئه تروریستی مذکور نقش داشته‌اند. این افراد همزمان با هواپیمارباهای در افغانستان آموزش دیده بودند. و درحالیکه در آریزونا مستقر بودند تماس‌های مستمری با یکی از هواپیمارباهای و یکی از رهبران ارشد القاعده داشتند که اکنون در گوانتانامو به سر می‌برد. حداقل یکی از این افراد یک ماه قبل از حملات یازده سپتامبر به عنوان یکی از آدم‌رباها قصد ورود به آمریکا را داشت اما به دلیل حضور در لیست نظارت تروریستی از ورود وی به آمریکا ممانعت شد.

طبق اسناد موجود هر دو نفر با دولت عربستان همکاری می‌کردند و پول دریافت می‌کردند. القوذهایین در وزارت امور اسلامی استخدام بود و شلوی نیز یکی از کارکنان قدیمی دولت عربستان به شمار می‌رفت. هر دو نفر زمانی که در آمریکا بودند بارها با مقامات عربستان تماس گرفته بودند.

بالینحال تاکنون تلاش برای تماس تلفنی و یا ایمیل با وکلای دولت عربستان بی نتیجه بوده است. البته ماه گذشته وکلای عربستان مدعی شدند که شکایت مطرح شده نمی‌تواند حمایت مستقیم عربستان از هواپیمارباهای را اثبات کند.

تصاویری کمتر دیده شده از پنتاگون پس از حادثه ۱۱ سپتامبر

وزارت دفاع آمریکا تصاویری کمیاب از داخل ساختمان پنتاگون را پس از حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر منتشر کرد .

به گزارش گروه بین‌الملل باشگاه خبرنگاران جوان به نقل از دیلی میل؛ پلیس فدرال آمریکا آوریل سال جاری میلادی برای نخستین بار شماری از تصاویر ساختمان پنتاگون پس از حمله تروریستی یازدهم سپتامبر را منتشر کرد و حالا همزمان با شانزدهمین سالگرد این حملات، وزارت دفاع آمریکا تصاویر بیشتری در اختیار رسانه ها قرار داده است.













پیش‌بینی یازده سپتامبر روی دلار آمریکا



اگر یک اسکناس ۲۰ دلار آمریکایی رو به درازا و از طرفی که عکس کاخ سفید هست تا بکنید:



و لبه های این اسکناس رو به طوری که انگار دارید هواپیما درست می‌کنید روی همدیگه بگذارید و بعد اون رو مثل شکل زیر عمودی دستتون بگیرید می‌تونید برج‌های دو قلوی مرکز تجارت جهانی رو ببینید که در آتش دارند می‌سوزند! مثل شکل زیر:



نه هنوز تموم نشده، حالا اسکناس رو برگردونید و پنتاگون رو خواهید دید که داره در آتش می‌سوزه:



از اینجا به بعدش را همه‌تان بلدید، به تا کردن کاغذ ادامه بدید و هواپیما بسازید، روی بال سمت راست هواپیمای کاغذی‌تان کلمه‌ی United خواهد افتاد و روی بال سمت راست کلمه‌ی America می‌افتد. نام دو شرکت هواپیمایی که هواپیماهایشان به برج‌های دو قلو برخورد کرد United و American بود. و صد البته اینکه: $20 = 11 + 9$

این ماجرای ۲۰ دلاری رو که دیدم مطمئن بودم هیچی به جز توهم توطئه نیست و مشتکی اتفاق هستش. همونطور که یادمه قدیم‌ها روی اسکناس ده تومنی مردم دنبال نقش روباه در ریش مدرس می‌گشتن یا اینکه فکر می‌کردن پشت اسکناس ۲۰ تومنی کلمه‌ی مرگ بر شاه نوشته شده...

اما وقتی یه خورده بیشتر گوگل کردم، دیدم که این قضیه فقط در ۲۰ دلاری نیست و اسکناس‌های دلار از ریز به درشت یک داستان رو دارن روایت می‌کنن:

پنج دلاری: برج‌های دو قلو قبل از حمله



ده دلاری: اولین برج آتش گرفته است



بیست دلاری: که راجع بهش نوشتیم، هر دو برج در آتش می‌سوزند

پنجاه دلاری: برج‌ها فرو می‌ریزند



کته اصلی اینجاست که این اسکناس‌ها ده‌ها سال قبل از اینکه برج‌های تجارت جهانی حتی ساخته بشن طراحی شده و بین مردم دست به دست می‌شدن. فارغ از توطئه بودن یا توهم بودن این ماجرا، اون‌ی که اینها رو کشف کرده عجب بیکاری بوده و چه دقتی داشته

دو حادثه در یک روز

به هنگام حادثه ۱۱ سپتامبر همه یهودیان ساختمان‌های دوقلو را ترک کرده بودند و در حادثه مکه نیز در ساعت ۱۵/۵ عصر (بعد از نماز عصر) حتی یک نفر سعودی در صحنه حادثه نبوده است!

به گزارش خبرنگار بلاغ، حادثه سقوط جرثقیل در مسجدالحرام در چند روز اخیر رسانه‌های جهان را تحت تاثیر خود قرار داد، حادثه‌ای که مصادف شد با سالگرد حادثه ۱۱ سپتامبر در امریکا.

البته این تقارن زمان‌ها شاید اتفاقی باشد اما وجود این اتفاق در یک زمان مشترک و دلایل دیگر احتمال تصادفی بودن این حادثه را کم می‌کند.

تحلیلی اجمالی در مورد این حادثه در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که تأمل بر آن خالی از لطف نیست:



۱- سرعت باد بسیار پایین و حدود ۲۲ کیلومتر بوده است، اگرچه شبکه العربیه سرعت باد را ۶۵ کیلومتر اعلام کرده که قطعاً دروغ بوده و سرعت باد در تمام نقاط زمین و در تمام روزهای تا یک ماه آینده هم دقیقاً ثبت و قابل رهگیری است.

۲- جهت باد از محل استقرار تاور (جرتقیل) به طرف مروه یعنی به سمت شمال غرب بوده است و جرتقیل به دلیل باد نمی‌توانسته به طرف خلاف جهت باد سقوط کند.

۳- به دلیل بارندگی تاور زیر بار نبوده است.

۴- حادثه دقیقاً در روز ۱۱ سپتامبر رخ داده است.

۵- جرتقیل دقیقاً به پشت مقام ابراهیم علیه‌السلام (دارای بیشترین تراکم جمعیتی در هر ساعت از شبانه روز) سقوط کرده است.

۶- شکل سقوط نشان می‌دهد که سقوط برخلاف لنگرگاه جرتقیل صورت گرفته که فقط می‌تواند به دلیل باز بودن پیچ‌های جرتقیل و دستکاری عمدی واقع شده باشد.

۷- نیروهای امدادی با تاخیر به محل رسیده‌اند!!!

۸- هیچ جرنقیل دیگری سقوط نکرده است.

۹- در همین روز ۱۱ سپتامبر در مسجدالاقصی نیز توسط یهودیان کشتار رخ داده است.

۱۰- گفته شده که یهودیان با مقدس اعلام کردن ۱۱ سپتامبر و انتصاب حادثه به مسلمانان (بن لادن و القاعده و طالبان) معتقدند هر سال باید در چنین روزی از مسلمانان انتقام گرفته و خون بریزند.

۱۱- به هنگام حادثه ۱۱ سپتامبر همه یهودیان ساختمان‌های دوقلو را ترک کرده بودند و در حادثه مکه نیز در ساعت ۱۵/۵ عصر (بعد از نماز عصر) حتی یک نفر سعودی در صحنه حادثه نبوده است!